

تحلیل تطبیقی حق کودک بر سلامت روان در فضای مجازی با بهره‌گیری از آیات قرآن

عطیه مقدم فرا^۱

چکیده

زمینه و هدف: فضای مجازی با ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهایی برای کودکان، حق بر سلامت روان آنان را به‌عنوان حقی بنیادین در محیط دیجیتال با چالش مواجه کرده است. این پژوهش با هدف تحلیل این حق در سه بستر فقه اسلامی، قوانین داخلی ایران و اسناد بین‌المللی و ارائه راهکارهای حقوقی انجام شده است.

روش بررسی: پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای منابع اولیه و ثانویه انجام شد. تحلیل داده‌ها مبتنی بر استخراج، دسته‌بندی و تفسیر مضامین و سپس تحلیل تطبیقی آن‌ها بود.

یافته‌ها: در قوانین ایران، علیرغم مقرراتی مانند قانون جرائم رایانه‌ای و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، خلأهای تقنینی و اجرایی در حمایت صریح از سلامت روان کودکان در فضای مجازی وجود دارد. در مقابل، اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک، با ارائه چارچوبی جامع و حق محور، الگویی پیشرو عرضه می‌کنند.

نتیجه‌گیری: تضمین این حق در ایران نیازمند گذار از رویکرد صرفاً کیفری به رویکردی پیشگیرانه و حق محور است. تدوین قانون جامع، تقویت نهادهای نظارتی، آموزش سواد دیجیتال و الزام بخش خصوصی به رعایت حریم کودکان، از راهکارهای ضروری با الهام از فقه و استانداردهای بین‌المللی است.

کلمات کلیدی: اسناد بین‌المللی، حق کودک، حقوق ایران، سلامت روان، فضای مجازی.

۱. مقدمه

رشد فناوری‌های دیجیتال و فضای مجازی تأثیرات عمیقی بر زندگی کودکان داشته است. این فضا اگرچه فرصت‌هایی برای آموزش و تعامل فراهم می‌آورد، اما کودکان را در معرض تهدیدهایی مانند محتوای مضر، قلدری سایبری و سوءاستفاده قرار می‌دهد که سلامت روان آنان را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ایران، قوانینی مانند قانون جرائم رایانه‌ای و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گام‌هایی را در جهت حمایت از کودکان برداشته‌اند، اما بررسی این مقررات نشان می‌دهد که حق کودک بر سلامت روان در فضای مجازی به‌طور صریح و مستقل به رسمیت شناخته نشده و حمایت از آن غالباً تبعی و غیرمستقیم است. خلأهای تقنینی مشهود در زمینه‌هایی مانند جرم‌شناسی محتوای آسیب‌زای غیرمستهلک و فقدان سازوکارهای پیشگیرانه، ضرورت بازنگری در نظام حقوقی را آشکار می‌سازد.

در مقابل، اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک و تفسیرهای آن، چارچوبی جامع و حق‌محور ارائه می‌دهند. همچنین، اصول فقه اسلامی مانند قاعده «لاضرر» می‌توانند پشتوانه‌ای محکم برای تقنین در این حوزه باشند؛ بنابراین، این پژوهش به واکاوی شکاف میان وضعیت موجود حقوقی در ایران و استانداردهای بین‌المللی پرداخته و در پی ارائه راهکارهایی برای تدوین نظامی جامع جهت تضمین مؤثر حق کودک بر سلامت روان در محیط دیجیتال است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این پژوهش بر چند رکن نظری استوار است. نخست، نظریه سامانه‌های بوم‌شناختی برون‌فبرنر که تأکید می‌کند رشد کودک در تعامل با سطوح مختلف محیطی (خانواده، مدرسه،

جامعه و فرهنگ) شکل می‌گیرد و فضای مجازی به‌عنوان یک «اگزوسیستم» نوظهور، تأثیر شگرفی بر این فرآیند دارد. دوم، چارچوب تعهدات سه‌گانه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل بشر (احترام، حمایت و ایفا) که وظایف حکومت را در قبال حقوق شهروندان، از جمله کودکان، مشخص می‌سازد. سوم، اصل مصلحت عالیه کودک که به‌عنوان سنگ بنای تمامی تصمیم‌گیری‌های مرتبط با کودکان، لزوم اولویت‌دهی به منافع آنان را خاطر نشان می‌سازد.

پیشینه تحقیق حاکی از آن است که مطالعات داخلی عمدتاً به بررسی جداگانه تأثیرات فضای مجازی بر سلامت روان یا تحلیل برخی قوانین پرداخته‌اند، اما پژوهش جامعی که به‌صورت تطبیقی به واکاوی این حق در سه بستر فقهی، داخلی و بین‌المللی بپردازد، مغفول مانده است. این مقاله درصدد پر کردن این خلأ است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی-کاربردی و از نظر ماهیت و روش، از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز به روش کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه عمیق منابع اولیه و ثانویه شامل متون فقهی، قوانین مدون ایران، اسناد بین‌المللی و مقالات معتبر علمی گردآوری شده است. چارچوب تحلیل مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی تمرکز بر استخراج، دسته‌بندی و تفسیر مضامین اصلی^۱ است. مراحل اجرای شامل: جستجوی نظام‌مند منابع در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر، گزینش منابع بر اساس معیارهای ورود و خروج، استخراج مفاهیم کلیدی مرتبط با حق کودک بر سلامت روان و تهدیدات فضای مجازی و تحلیل تطبیقی یافته‌ها در سه بستر فقه اسلامی، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی و ارائه جمع‌بندی نهایی است.

۴. یافته‌های پژوهش

مبانی روان‌شناختی سلامت روان کودک

سلامت روان کودک، بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، مفهوم، پیچیده و چندبعدی است و تحت تأثیر تعامل پویای عوامل زیستی، روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و فناورانه قرار دارد. درک این ابعاد مستلزم مرور نظریه‌های بنیادین روان‌شناسی رشد است که هر یک بر جنبه‌ای خاص از این فرآیند تأکید دارند.

۱. نظریه‌های مبتنی بر مراحل رشدی و نیازهای ذاتی

الف) نظریه مراحل روان اجتماعی اریکسون اریکسون رشد شخصیت را در هشت مرحله از کودکی تا بزرگسالی ترسیم می‌کند که هر مرحله با یک بحران روانی-اجتماعی خاص (مانند اعتماد در برابر بی‌اعتمادی، هویت در برابر سردرگمی نقش) مشخص می‌شود. موفقیت در هر مرحله، پایه‌ای برای سلامت روان در مراحل بعدی است و شکست در آن می‌تواند به مشکلات پایدار هیجانی و هویتی بینجامد (6).

ب) نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو مازلو نیازهای انسان را در یک هرم پنج‌سطحه (فیزیولوژیک، امنیت، محبت و تعلق، احترام و خودشکوفایی) سازماندهی می‌کند. تأمین نیازهای سطوح پایین‌تر، شرط لازم برای دستیابی به سطوح بالاتر و تحقق سلامت روان به‌عنوان «خودشکوفایی» است. این نظریه بر اهمیت تأمین نیازهای اساسی برای رشد هیجانی و روانی کودک تأکید دارد (6).

۲. نظریه‌های مبتنی بر روابط و تعاملات اجتماعی

الف) نظریه دلبستگی بولبی

کیفیت دلبستگی اولیه کودک با مراقب اصلی (ایمن، ناایمن)، «مدل‌های کاری درونی» او از خود، دیگران و جهان را شکل می‌دهد. دلبستگی ایمن، سنگ بنای سلامت روان، اعتماد به نفس و توانایی برقراری روابط سالم در آینده است، درحالی‌که دلبستگی ناایمن با افزایش خطر اختلالات

اضطرابی و افسردگی مرتبط است (6).

ب) نظریه یادگیری اجتماعی بندورا

بندورا بر نقش «یادگیری مشاهده‌ای» از طریق الگوها (والدین، همسالان، رسانه) در شکل‌گیری رفتار، نگرش و هیجانات کودک تأکید می‌کند. مفهوم «خودکارآمدی» (باور فرد به توانایی خود برای موفقیت) نیز از این نظریه سرچشمه می‌گیرد. این نظریه به‌ویژه برای درک تأثیرپذیری کودکان از الگوهای موجود در فضای مجازی حیاتی است (6).

ج) نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی برونفنبرنر

این نظریه رشد کودک را در بستر چندلایه (میکروسیستم، مزوسیستم، اگزوسیستم، ماکروسیستم و کرونوسیستم) تحلیل می‌کند. سلامت روان کودک محصول تعامل پویای این سطوح (از خانواده و مدرسه تا فرهنگ و تحولات تاریخی) است و برای تدوین راهکارهای حمایتی، در نظرگیری این بستر پیچیده ضروری است.

۳. نظریه‌های مبتنی بر رشد شناختی و هیجانی

الف) نظریه رشد شناختی پیاژه

پیاژه رشد شناختی را در چهار مرحله (حسی-حرکتی، پیش‌عملیاتی، عینی و صوری) توصیف می‌کند. هماهنگی انتظارات آموزشی و محیطی با سطح رشد شناختی کودک، برای پیشگیری از اضطراب و تقویت احساس کفایت ذهنی ضروری است (۱۲).

ب) نظریه فرهنگی-اجتماعی ویگوتسکی

ویگوتسکی بر نقش تعامل اجتماعی، زبان و فرهنگ در رشد شناختی تأکید دارد. این نظریه هشدار می‌دهد که کاهش تعاملات رودررو در عصر دیجیتال می‌تواند رشد هیجانی-اجتماعی را مختل کند (۹).

ج) نظریه هوش هیجانی گلمن

گلمن هوش هیجانی (شامل خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی) را عاملی کلیدی در موفقیت و سلامت

روان می‌داند. آموزش این مهارت‌ها از کودکی، تاب‌آوری در برابر فشارها و چالش‌های محیطی از جمله فضای مجازی را افزایش می‌دهد (۳)

این چارچوب‌های نظری، پایه‌ای اساسی برای تحلیل تأثیرات فضای مجازی بر سلامت روان کودک فراهم می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه می‌توان با الهام از اصول آن‌ها، محیط دیجیتال را به گونه‌ای طراحی و مدیریت کرد که به جای تهدید، به فرصتی برای رشد همه‌جانبه کودک تبدیل شود.

در جمع‌بندی مبانی روان‌شناختی می‌توان دریافت که سلامت روان کودک، مفهومی چندبعدی و پویاست که درگرو تعامل سازنده‌ی او با محیط‌های مختلف است. نظریه‌های رشدی بر وجود «دوره‌های حساس» تأکید دارند که شکست در عبور موفق از آن‌ها، آسیب‌های پایدار روانی به همراه خواهد داشت (۱۹). نظریه دلبستگی، «روابط عاطفی ایمن» را سنگ بنای سلامت روان، اعتماد به نفس و توانایی برقراری روابط سالم در آینده می‌داند (۱۶). نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی، «فضای مجازی» را به عنوان یک «آگزوسیستم» نوظهور و تأثیرگذار معرفی می‌کند که می‌تواند هم فرصت باشد و هم تهدید (۱۷).

این یافته‌ها، پشتوانه‌ای علمی و تردیدناپذیر برای به رسمیت شناختن حق کودک بر سلامت روان فراهم می‌سازند. آن‌ها نشان می‌دهند که این حق، یک امتیاز انتزاعی نیست، بلکه پاسخی حقوقی به واقعیت‌های مسلم رشد انسان است (۱۸).

بنابراین، مبانی روان‌شناختی، «چرایی» و «چیستی» حق بر سلامت روان را روشن ساخته و وظیفه‌ی نظام حقوقی را در تبدیل این یافته‌های علمی به قوانین و سیاست‌های حمایتی مشخص می‌نمایند. در بخش‌های بعدی، این چارچوب علمی، مبنای واکاوی مبانی قرآنی و حقوقی این حق بنیادین قرار خواهد گرفت.

۳- مبانی قرآنی حق کودک بر سلامت روان

قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع شناخت در نظام ارزشی اسلام، دربردارنده اصول و مبانی کلانی است که می‌تواند چارچوبی جامع برای شناسایی و تضمین «حق کودک بر سلامت روان» - حتی در محیط‌های نوظهوری مانند فضای مجازی - فراهم آورد. این مبانی را می‌توان در چند محور اصلی تبیین نمود:

۱-۳. تکریم ذاتی انسان و لزوم حفظ کرامت روانی کودک

آیات قرآن به صراحت بر کرامت ذاتی نوع انسان صحه می‌گذارند: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَجْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) (۸). این «تکریم» ذاتی، منحصر به بعد جسمانی نیست بلکه تمامیت وجودی انسان، از جمله سلامت روان و عواطف او را در برمی‌گیرد. هرگونه اقدام یا بی‌تفاوتی که منجر به تحقیر، توهین، ایجاد ترس پایدار یا آسیب زدن به عزت نفس کودک شود مانند قلدری سایبری یا مواجهه با محتوای تحقیرآمیز - در تضاد آشکار با این اصل قرآنی قرار دارد؛ بنابراین، نظام حقوقی موظف است با وضع قوانین پیشگیرانه و حمایتی، از این کرامت ذاتی در تمام عرصه‌ها، از جمله فضای مجازی، پاسداری کند.

۲-۳. سلامت روان به مثابه «قلب سلیم»

قرآن کریم عالی‌ترین معیار سعادت اخروی را به سلامت باطن و روان انسان گره زده است: (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) (۸). «قلب سلیم» در تفسیر مفسران، به روانی پاک و سالم اشاره دارد که از شرک، کینه، حسد، نفاق و دیگر رذایل اخلاقی و روانی آزاد است (۷).

از نظر مفسران «سلیم» از ماده سلامت وقتی به طور مطلق در آیه شریفه مطرح شود، سلامتی از هرگونه بیماری اخلاقی و اعتقادی را شامل می‌شود (۵).

فضای مجازی اگر با محتوای مسموم و مخرب همراه باشد، می‌تواند آفت‌هایی همچون اضطراب، خودبیمارانگاری و انزوای

به‌منزله يك پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است، زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موریانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را از هم متلاشی می‌سازند، بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. در آیه فوق دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند: مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند و از بدی‌ها بازدارند؛ و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است. مضاف بر وجوب حاکی از دلیل نقلی بر امر به معروف و نهی از منکر، به جهت آن که در اجتماع چیزی به‌عنوان «ضرر فردی» وجود ندارد و هر زبان فردی امکان این را دارد که به‌صورت يك «زبان اجتماعی» درآید، به همین دلیل منطق و عقل به افراد اجتماع اجازه می‌دهد که در پاک نگاه‌داشتن محیط‌زیست خود از هرگونه تلاش و کوششی خودداری نکنند (۵).

«منکر» در این آیه، شامل هر عمل یا محتوای آسیب‌رسان به سلامت روان و اخلاق جامعه، به‌ویژه در فضای مجازی با گستره و سرعت تأثیرگذاری بالا، می‌شود. با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر کودکان و تداوم اثرات مخرب این منکرات تا بزرگسالی، انجام این واجب شرعی (امر به معروف و نهی از منکر) از ضرورتی مضاعف برخوردار می‌شود. این آیه مبنای قرآنی محکمی برای مسئولیت حاکمیت، نهادهای مدنی و حتی پلتفرم‌های مجازی در ایجاد محیطی امن و سالم و مقابله فعالانه با محتوای مخرب فراهم می‌سازد.

قرآن کریم با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، ترسیم آرمان «قلب سلیم»، نهی از هرگونه افساد و ضرر و واجب دانستن مسئولیت اجتماعی، چهارچوبی ارزشی و تغییرناپذیر را بنیان نهاده است. این چارچوب، نه تنها مشروعیت که ضرورت تقنین و اجرای سیاست‌های فعال برای حمایت از سلامت روان کودک

اجتماعی را در روان کودک نهادینه کند و او را از وصول به «قلب سلیم» بازدارد. از این منظر، تأمین سلامت روانی کودک تنها یک حق بهداشتی نیست، بلکه پیش‌نیازی برای تحقق هدف غایی خلقت، یعنی عبادت و قرب به خداوند است: (وَمَا خَلِقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (۸).

۳-۳. نهی از افساد و ضرر رسانی

قرآن کریم به‌طور مکرر از «افساد فی الارض» نهی کرده است: (وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا) (الأعراف: ۵۶) صاحب تفسیر وافی این‌گونه بیان می‌دارد که با بعثت پیامبر و تشریح احکام الهی زمین اصلاح شد لذا آیه می‌فرماید بعد از اصلاح زمین، با کفر و انجام معاصی آن را به فساد نکشید (۲).

امروزه فضای مجازی به «زمین» و عرصه جدید زندگی بشری تبدیل شده است. تولید و انتشار محتوایی که بنیان روانی کودکان را متزلزل می‌سازد اعم از ترویج خشونت، بی‌بندوباری اخلاقی یا چالش‌های خودآزارگرایانه مصداق بارز «افساد» در این عرصه نوین است. افزون بر این، آیه (وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) (البقره: ۱۹۵) (۸)؛ که ناهی از قراردادن عمدی خویش در معرض هلاکت است، قابل‌تعمیم به وضعیتی است که کودکان بدون هیچ نظارت و مصونیتی در معرض دریای مخاطرات روانی فضای مجازی رها می‌شوند. چراکه «تهلکه» به معنای هلاکت است و هلاکت به معنای آن مسیری است که انسان نداند به کجا منتهی می‌شود (۷).

۳-۴. مسئولیت اجتماعی در قبال ساماندهی محیط اجتماعی

قرآن با تشریح اصل «امر به معروف و نهی از منکر»، مسئولیت همگانی در برابر سلامت اخلاقی و روانی جامعه را مقرر می‌دارد: (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (آل عمران: ۱۰۴) (۸). به دنبال آیات پیشین که مسئله اخوت و اتحاد را توصیف می‌کند در این آیه اشاره به مسئله «امر به معروف» و «نهی از منکر» شده که در حقیقت

تحلیل تطبیقی حق کودک بر سلامت روان در فضای مجازی ...

در برابر تهدیدات فضای مجازی را اثبات می‌کند. از این منظر، تضمین این حق، تنها یک وظیفه حکومتی نیست، بلکه عینیت بخشیدن به یک تکلیف دینی و قرآنی در راستای حفظ «نفس» و «عقل» و «نسل» است.

۴- مبانی حقوق کودک در خصوص سلامت روان

۴-۱- مبانی حقوق کودک در نظام قانون گذاری ایران

نظام حقوقی ایران، با الهام مستقیم از فقه اسلامی، حقوق کودک را پیش از تولد تا پایان دوران کودکی به رسمیت شناخته است. در فقه شیعه، حتی جنین دارای حقوقی همچون حق حیات، حق ارث و حق برخورداری از وصیت است، به شرط آنکه زنده متولد شود. قانون مدنی ایران نیز در مواد ۸۷۵ و ۹۵۷ بر این حقوق تأکید کرده است. افزون بر آن، پس از تولد، کودک دارای مجموعه‌ای از حقوق فردی، مالی و معنوی است که بخشی از آن به حفظ سلامت روان و جسم او بازمی‌گردد، مثل حق حضانت، حق نفقه و حق هویت. این دیدگاه سبب می‌شود که برخلاف بسیاری از اسناد بین‌المللی که نقطه شروع حمایت را تولد می‌دانند، در حقوق ایران آغاز حقوق کودک از زمان انعقاد نطفه لحاظ گردد که خود جلوه‌ای از دامنه حمایتی فقه اسلامی است (۱۴).

در بعد قانون‌گذاری معاصر، «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹ یکی از جامع‌ترین ابزارهای حمایتی است. این قانون علاوه بر تعریف دقیق کودک و نوجوان، طیف وسیعی از رفتارها را که سلامت جسم و روان آنان را تهدید می‌کند جرم‌انگاری کرده است. از جمله، بهره‌کشی، سهل‌انگاری، خشونت خانگی، ممانعت از تحصیل و حتی قرار دادن کودک در معرض محتوای مضر در فضای مجازی، همگی مشمول حمایت کیفری قرار گرفته‌اند.

در کنار قوانین خاص کودکان، مقررات متعدد دیگری در قوانین عمومی نیز به‌طور پراکنده به حمایت از سلامت و حقوق کودک پرداخته‌اند. برای مثال، قانون مجازات اسلامی در مواد

مختلف، مجازات سنگینی برای قتل، جرح، یا آزار جنسی و جسمی کودکان پیش‌بینی کرده است.

با این وجود، تحلیل این قوانین نشان می‌دهد که حمایت از «سلامت روان» کودک به‌صراحت و به‌عنوان یک حق مستقل مورد توجه قرار نگرفته و این حمایت، عمدتاً تبعی و در ذیل جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی یا حمایت‌های کلی جسمانی است. در ذیل، مهم‌ترین قوانین این حوزه تحلیل می‌شوند:

۱. قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸)

سلامت روان اشاره نمی‌کند، اما با جرم‌انگاری تولید و انتشار محتوای خلاف عفت و اخلاق عمومی، به‌صورت غیرمستقیم به حفاظت از کودکان در برابر محتوای مستهجن مضر می‌پردازد. ماده ۱۶ نیز با جرم دانستن توهین و هتک حیثیت، می‌تواند موارد قلدری سایبری را پوشش دهد، اگرچه پیچیدگی اثبات جرم و فرآیند قضایی برای کودکان مانعی محسوب می‌شود. علاوه بر این، ماده ۲۵ با جرم‌انگاری دسترسی غیرمجاز به داده‌های رایانه‌ای، ابزاری برای مقابله با سرقت هویت دیجیتال یا هک حساب کودکان فراهم می‌کند. با این حال، این قانون کودک‌محور نبوده و نگاهی عام به جرائم دارد؛ تمرکز آن بیشتر بر حفظ «نظم و اخلاق عمومی» است تا تضمین «حقوق عینی کودک» و آسیب‌های خاص روانی-اجتماعی کودکان را به‌عنوان اولویتی مستقل در نظر نگرفته است.

۲. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹)

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ با رویکردی نوآورانه و مستقیم، نقطه عطفی در حقوق کودکان ایران به شمار می‌آید. این قانون با تعریف فرد زیر ۱۸ سال به‌عنوان کودک و همسو شدن با کنوانسیون حقوق کودک، «وقوع جرم» علیه کودک را مصداق بزه‌دیدگی می‌داند، تعریفی گسترده که می‌تواند قربانی شدن کودکان در جرائم سایبری را نیز شامل شود. به‌طور مشخص، ماده ۶ با صراحت «در معرض قرار دادن کودک به محتوای غیراخلاقی» را از موارد

قانون حمایت از داده‌ها، پتانسیل بالایی برای جلوگیری از بهره‌کشی اقتصادی و روانی از کودکان از طریق سوءاستفاده از اطلاعات شخصی آنان دارد. با این حال، فقدان «سازمان» نظارت‌کننده مستقل و مشخص نبودن مرجع صدور مجوز تا زمان نگارش این مقاله، مهمترین مانع برای اجرای effective این قانون است. علاوه بر این، این قانون به‌طور خاص به ریسک‌های روانی ناشی از نقض حریم خصوصی (مانند شرمساری، اضطراب، قلدری) نمی‌پردازد و تنها به جنبه‌ی حقوقی داده‌ها توجه دارد (۱۳).

در تحلیل نظام حقوقی ایران می‌توان گفت چارچوب‌های قانونی برای مواجهه با تهدیدات فضای مجازی به تدریج در حال توسعه است؛ اما خلأهایی که در رابطه با حق کودک بر سلامت روان است در حوزه تقنینی وجود دارد شامل:

۱. قوانین موجود عمدتاً کیفی و پیشگیرانه هستند و «سلامت روان» را به‌عنوان یک حق به رسمیت نشناخته‌اند.
 ۲. بسیاری از محتوای آسیب‌رسان روانی (غیرمستهلک) در قوانین فعلی جرم انگاری نشده‌اند و از نواقصی برخوردارند.
 ۳. مقررات پراکنده هستند و قانون جامعی تحت عنوان «حمایت از کودکان در فضای مجازی» وجود ندارد.
 ۴. فقدان آیین‌نامه‌های شفاف، نهاد نظارت‌کننده تخصصی و سازوکارهای کودک پسند برای شکایت و پیگیری، بزرگ‌ترین مانع تحقق این حمایت‌های قانونی است.
- این تحلیل نشان می‌دهد که رویکرد قانون‌گذار ایرانی، اگرچه در مسیر درستی حرکت کرده، اما هنوز از یک چارچوب منسجم، پیشگیرانه و کودک‌محور که صراحتاً حق بر سلامت روان در محیط دیجیتال را به رسمیت بشناسد، فاصله دارد. این در حالی که است که فقه اسلامی علاوه بر اشکال آشکار حمایت، به اصول تربیتی و روانی نیز توجه کرده است. در منابع روایی، حسن خلق با کودک، مدارا، آموزش تدریجی و رعایت نیازهای سنی به‌عنوان وظایف والدین و مربیان مطرح شده است. این

«ضعف در سرپرستی» دانسته و برای آن ضمانت اجرای کیفری و مدنی مانند محرومیت از حق سرپرستی پیش‌بینی کرده است و در نتیجه مسئولیت مستقیم والدین در نظارت بر محتوای مصرفی کودک را تأکید می‌نماید. افزون بر این، ماده ۱۰ با تکلیف کردن «کلیه اشخاص» به گزارش‌دهی موارد «آسیب‌های روحی شدید» به مراجع قضایی و حمایتی، یک الزام عمومی برای حمایت ایجاد کرده که آسیب‌های فضای مجازی را نیز در برمی‌گیرد. در مجموع، این قانون با شناسایی صریح آسیب روحی و مسئولیت آور کردن والدین، ظرفیت بالایی برای حمایت از سلامت روان کودکان در فضای مجازی دارد؛ با این حال، آیین‌نامه‌های اجرایی و سازوکارهای عملیاتی کردن مفاد آن، مانند چگونگی اثبات «ضعف در سرپرستی» در فضای مجازی یا فرآیندهای گزارش‌دهی، هنوز به‌طور کامل توسعه نیافته و نیازمند ضابطه‌مند شدن است.

۳. قانون حمایت از داده‌ها

این قانون که اولین قانون جامع در حوزه حریم خصوصی دیجیتال است، می‌تواند ابزاری قدرتمند برای حمایت از کودکان باشد.

ماده ۲ (تعریف داده‌های حساس): این ماده، «داده‌های زیست‌سنجشی و ژنتیکی» و «داده‌های مربوط به کودکان» را در زمره داده‌های حساس قرار داده است. این بدان معناست که پردازش داده‌های کودکان از حساسیت بالایی برخوردار است و نیازمند رعایت شرایط سخت‌گیرانه‌تری است.

ماده ۱۴: پردازش داده‌های حساس (از جمله داده‌های کودکان) را منوط به «رضایت صریح» مالک داده و همچنین «مجوز سازمان» (سازمان صالح) کرده است. این ماده، جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات شخصی کودکان توسط پلتفرم‌ها و برنامه‌ها را به‌شدت محدود می‌کند.

ماده ۳۶: نقض مقررات این قانون، به‌ویژه در مورد داده‌های حساس، دارای مجازات سنگین (حبس و جزای نقدی) است.

تحلیل تطبیقی حق کودک بر سلامت روان در فضای مجازی ...

وظایف نه تنها جنبه اخلاقی بلکه آثار حقوقی نیز دارند، چراکه قصور در انجام آن‌ها می‌تواند مصداق سهل‌انگاری و سوء رفتار تلقی شود. از نگاه فقهی، حق بر تربیت صحیح و پرورش معنوی همچون حق بر تغذیه و حفاظت جسمی، بخشی از حقوق طبیعی کودک محسوب می‌گردد. این گستره مفهومی می‌تواند مبنای تفسیر موسع مواد قانونی در حمایت از سلامت روان کودکان در فضای مجازی، قرار گیرد (۱۱).

۴-۲. مبانی حقوق کودک در اسناد بین‌المللی

حمایت از حقوق کودک در نظام بین‌الملل حقوق بشر از نیمه قرن بیستم به شکل منسجم در قالب اسناد الزام‌آور نمود پیدا کرده است.

در مقابل رویکرد پراکنده و عمدتاً کیفی نظام‌های حقوقی داخلی مانند ایران، اسناد بین‌المللی با اتخاذ رویکردی پیشگیرانه و کل‌نگر، چارچوبی جامع برای مفهوم‌سازی و اجرای «حق کودک بر سلامت روان در فضای مجازی» ارائه می‌دهند (۱۰). تحلیل این اسناد نشان می‌دهد که تمرکز از صرف «منع محتوای مضر» فراتر رفته و به «تضمین رفاه دیجیتال» و «توانمندسازی کودک» معطوف شده است. محور این چارچوب، کنوانسیون حقوق کودک (CRC) و به‌ویژه تفسیر عام شماره ۲۵ (۲۰۲۱) کمیته حقوق کودک درباره حقوق کودکان در محیط دیجیتال است (۱۸).

۱. کنوانسیون حقوق کودک (CRC)

اگرچه کنوانسیون در سال ۱۹۸۹ و پیش از گسترش جهانی اینترنت تصویب شد، اما اصول و مواد آن به‌گونه‌ای تفسیر شده که محیط دیجیتال را نیز در برمی‌گیرد. چهار اصل بنیادین کنوانسیون، راهنمای تحلیل ما هستند:

۱) اصل منع تبعیض (ماده ۲): این اصل دولت‌ها را ملزم می‌کند که از هرگونه تبعیض در دسترسی کودکان به فضای مجازی و بهره‌مندی از مزایای آن جلوگیری کنند. برای مثال، «شکاف دیجیتالی» بین کودکان مناطق مختلف یا طبقات

اجتماعی مختلف، می‌تواند نقض این اصل تلقی شود، چراکه دسترسی نابرابر به فرصت‌های آموزشی و ارتباطی سالم، به نابرابری در سلامت روان و توسعه فردی می‌انجامد. (۲۰).

۲) اصل مصالح‌عالیه کودک (ماده ۳): این اصل، سنگ بنای تمامی تحلیل‌ها است. هر اقدام حکومت، شرکت‌های فناوری یا والدین در فضای مجازی باید با در نظر گرفتن «منافع‌عالیه کودک» باشد. از منظر سلامت روان، این بدان معناست که سود اقتصادی پلتفرم‌ها یا منافع امنیتی دولتی نمی‌تواند بر حق کودک به داشتن محیطی امن و سالم برای رشد روانی او ارجحیت داشته باشد (۲۰).

۳) حق حیات، بقا و رشد (ماده ۶): این ماده، حق کودک را برای «توسعه» به رسمیت می‌شناسد. کمیته حقوق کودک به‌طور مشخص اعلام کرده که «توسعه» تنها جسمانی نیست، بلکه شامل رشد فکری، عاطفی و روانی نیز می‌شود؛ بنابراین، فضای مجازی نباید به‌گونه‌ای باشد که مانع رشد سالم روانی کودک شود (۱۸).

۴) حق ابراز نظر (ماده ۱۲): این حق، کودک را نه به‌عنوان یک موضوع منفعل، بلکه به‌عنوان یک کنشگر فعال در امور مربوط به خودش می‌شناسد (۱۸). در حوزه فضای مجازی، این اصل بر لزوم مشارکت دادن کودکان در طراحی سیاست‌ها، پلتفرم‌ها و برنامه‌های آموزشی مربوط به ایمنی آنلاین تأکید دارد.

۲. تفسیر عام شماره ۲۵ (General Comment No. 25)

کمیته حقوق کودک در تفسیر عام شماره ۲۵ (۲۰۲۱) چارچوب جامع و پیشرویی برای حقوق کودکان در محیط دیجیتال ارائه کرد که نخستین سند بین‌المللی متمرکز بر تعهدات دولت‌ها در این حوزه است. (۱۸) این تفسیر حق بر سلامت روان در فضای مجازی را مستقل ندانسته، بلکه آن را ذاتی و در پیوند با سایر حقوق کنوانسیون، از جمله حق حریم خصوصی (ماده ۱۶)، دسترسی به اطلاعات (ماده ۱۷)، برخورداری از مراقبت‌های بهداشتی (ماده ۲۴) و محافظت در برابر بهره‌کشی و خشونت

نیست، بلکه بر مشارکت (Participation) و توانمندسازی کودکان از طریق آموزش و دسترسی به اطلاعات سالم است. همچنین برای نخستین بار، مسئولیت مستقیم شرکت‌های فناوری در قبال حقوق کودکان به‌وضوح مطرح شده است. و درنهایت مانند تفسیر عام شماره ۲۵ نشان می‌دهند که کنوانسیون حقوق کودک انعطاف‌پذیر است و خود را با تحولات فناوری تطبیق می‌دهد.

لیکن چالش‌هایی نیز همچنان وجود دارد و آن مشکل ضمانت اجراست. اسناد بین‌المللی فاقد ضمانت اجرای مستقیم و قوی هستند و اجرای آن‌ها منوط به اراده سیاسی و اقدامات داخلی دولت‌هاست. همچنین یافتن تعادل بین استانداردهای جهانی حقوق کودک و ارزش‌های فرهنگی-دینی خاص هر کشور (مانند ایران) همواره یک چالش است.

این تحلیل نشان می‌دهد که اسناد بین‌المللی، به‌ویژه با صدور تفسیر عام شماره ۲۵، یک الگوی آرمانی و درعین حال عملیاتی برای نظام‌های حقوقی داخلی ترسیم کرده‌اند. این الگو، حرکت از یک نگاه صرفاً سلبی و محدودکننده به سمت یک نگاه ایجابی و توانمندساز را ضروری می‌داند؛ رویکردی که نظام حقوقی ایران می‌تواند با الهام از آن، خلأهای تقنینی و اجرایی خود را پر کند.

۵- تأثیر فضای مجازی بر سلامت روان کودک

۵-۱. تهدیدات کودک در مواجهه با فضای مجازی

۵-۱-۱. تهدیدات روانی و شناختی

مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز یا اضطراب‌آور در فضای مجازی می‌تواند منجر به اختلالات اضطرابی، کابوس‌های شبانه، تحریک‌پذیری و کاهش تمرکز در کودکان شود. سیستم عصبی حساس کودکان، به‌ویژه در سنین پایین، در برابر این محرک‌ها آسیب‌پذیر است و ممکن است رشد عاطفی و اجتماعی آنان را مختل کند. از دیگر پیامدهای منفی، می‌توان به کاهش انگیزه برای فعالیت‌های واقعی، انزوای اجتماعی و افت عملکرد

(ماده ۱۹) می‌داند (۱۸).

تفسیر عام یک چارچوب تعهد سه‌گانه را برای دولت‌ها ترسیم می‌کند:

۱. تعهد به احترام: دولت‌ها نباید از طریق اقداماتی مانند قطع گسترده اینترنت، مانع دسترسی کودکان به فضای مجازی سالم شوند (۱۸).

۲. تعهد به حمایت: دولت‌ها مکلف‌اند با وضع قوانین مؤثر، کودکان را در برابر سوءاستفاده توسط بازیگران خصوصی (مانند شرکت‌های فناوری یا سایر کاربران) محافظت کنند. این شامل مقابله با قلدری سایبری، هرزه‌نگاری کودک، بهره‌کشی جنسی آنلاین و جمع‌آوری غیرقانونی داده‌ها می‌شود (۱۸).

۳. تعهد به ایفا: دولت‌ها باید اقدامات ایجابی مانند ارتقای سواد دیجیتال، توسعه محتوای باکیفیت و دوستدار کودک و ایجاد خدمات مشاوره و سلامت روان آنلاین در دسترس را انجام دهند. (۱۸).

همچنین، این تفسیر بر ضرورت نظارت دولت‌ها بر مسئولیت شرکت‌های فناوری در طراحی ایمن و متناسب با سن و انجام «تأثیر سنجی حقوق کودک» بر محصولات و خدمات جدید تأکید دارد. (۱۸).

در حوزه مقابله با جرائم شدید، پروتکل اختیاری کنوانسیون در مورد فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان (OPSC)، چارچوب حقوقی الزام‌آوری را ایجاد کرده که بر اساس آن دولت‌ها متعهد به جرم‌انگاری تولید، توزیع و تبلیغ هرزه‌نگاری کودک شده‌اند. این سند مبنای قدرتمندی برای همکاری‌های قضایی و پلیسی بین‌المللی فراهم می‌کند (۲۱).

در تحلیل اسناد حقوقی بین‌الملل که در بالا ذکر شد می‌توان گفت این قوانین در چارچوبی کل‌نگر و جامع حق بر سلامت روان را در شبکه‌ای از حقوق مرتبط و با استفاده از چارچوب «احترام، حمایت و ایفا» می‌بینند.

علاوه بر آن تمرکز اسناد فوق تنها بر محافظت (Protection)

تحلیل تطبیقی حق کودک بر سلامت روان در فضای مجازی ...

تحصیلی اشاره کرد.

در بعد شناختی، «اضافه بار شناختی» ناشی از حجم زیاد و متناقض اطلاعات، باعث کاهش حافظه کاری، اختلال در یادگیری عمیق و شکل‌گیری باورهای نادرست می‌شود. اختلالات خواب نیز به‌ویژه در مرحله رشد مغزی، تأثیر منفی بر تثبیت حافظه و رشد مهارت‌های شناختی دارد. علاوه بر این، مواجهه با محتوای آرمان‌گرایانه در شبکه‌های اجتماعی ممکن است به «مقایسه اجتماعی منفی» و کاهش عزت‌نفس در کودکان بینجامد.

۵-۱-۲. تهدیدات اجتماعی و اخلاقی:

فضای مجازی با ارائه الگوهای رفتاری و هنجارهای متضاد با فرهنگ خانواده، می‌تواند فرآیند جامعه‌پذیری کودکان را مختل کند. «عادی‌سازی» رفتارهای ناهنجار مانند خشونت کلامی یا قبح‌زدایی از روابط پرخطر، از طریق شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های آنلاین به کودکان منتقل می‌شود. همچنین، تشکیل گروه‌های مجازی با مضامین افراطی یا انحرافی، خطر جذب کودکان به جریان‌های ضداجتماعی را افزایش می‌دهد.

پدیده «قلدری سایبری» به‌عنوان یک تهدید ترکیبی، علاوه بر آسیب به روابط بین فردی و بی‌تفاوتی نسبت به مسئولیت اجتماعی، بدبینی به دیگران و سهل‌انگاری در رعایت هنجارها، می‌تواند موجب احساس شرم، انزوا، افسردگی شود.

۵-۱-۳. تهدیدات امنیتی و فنی:

کودکان به دلیل ضعف آگاهی و تجربه محدود، در معرض تهدیدات امنیتی مانند سرقت هویت دیجیتال، فیشینگ و نفوذ بدافزارها قرار دارند. سوءاستفاده از اطلاعات شخصی کودکان می‌تواند به اخاذی، آزار آنلاین یا دسترسی غیرمجاز به منابع مالی منجر شود (۱).

ضعف زیرساخت‌های امنیتی داخلی، کمبود قوانین محافظتی ویژه کودکان و نبود سامانه‌های احراز هویت مناسب، زمینه

سوءاستفاده فنی را گسترش می‌دهد (۱۵). راهکارهای مقابله شامل ایجاد پلتفرم‌های امن بومی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تدوین قوانین سخت‌گیرانه برای حریم خصوصی دیجیتال کودکان است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حق کودک بر سلامت روان در فضای مجازی، حقی بنیادین و چندبعدی است که در تقاطع حقوق کودک، حقوق سلامت و حقوق فناوری قرار دارد. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، اگرچه با تصویب قوانینی مانند قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) و قانون حمایت از داده‌ها (۱۴۰۰) گام‌های مثبتی برداشته، اما هنوز از یک چارچوب منسجم، پیشگیرانه و کودک‌محور که به‌صراحت این حق را به رسمیت بشناسد، فاصله دارد. قوانین موجود عمدتاً کیفی، پراکنده و واکنشی هستند و بسیاری از تهدیدات روانی غیرمستهلک را پوشش نمی‌دهند. در مقابل، اسناد بین‌المللی به‌ویژه تفسیر عام شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک، با تأکید بر تعهد سه‌گانه دولت‌ها (احترام، حمایت و ایفا) و مسئولیت آور کردن بخش خصوصی، الگویی جامع ارائه می‌دهند. فقه اسلامی نیز با استناد به قواعدی چون لاضرر، مصلحت کودک و حق تربیت، پشتوانه محکمی برای تقنین فراهم می‌کند.

برای گذار از رویکرد انفعالی فعلی به رویکردی فعال و حق‌محور، پیشنهادها می‌شود در حوزه تقنین، «قانون جامع حمایت از کودکان در فضای مجازی» تدوین شود و مکانیسم‌های حمایتی خاص کودکان را پیش‌بینی کند. همچنین برای پایش فضای مجازی کودک نهاد نظارتی تخصصی ایجاد و پلتفرم‌ها نیز به رعایت «طراحی متناسب با سن» ملزم شوند؛ و در حوزه فرهنگی نیز آموزش سواد دیجیتال و رسانه‌ای برای کودکان، والدین گنجانده و در این راستا از ظرفیت‌های رسانه ملی استفاده گردد.

Reference

1. Akbari, Abolghasem dan Mina Akbari. 2011, Patologi Sosial. Tehran : Penerbitan Roshd va Tose, hlm. 65-165. Percison.
2. Fayz Kashani, Muhammad ibn Murtaza 1415 AH, 1373, Vol. 2 : 275, Maktaba al-Sadr, Tehran. Percison.
3. Goleman, Hassan (2002). Emotional Intelligence. Translator : Amir Hossein Khaneghani. Navandish Publications. Tehran. Percison.
4. Jafari Langroodi, Mohammad, 2019, Istilah Undang-undang. Tehran : Ganj Danesh. Percison.
5. Makarem Shirazi, Nasser, 1995, Darul Kotab al-Islamiyya, Tehran, Tafsir Namunah.
6. Shamloo, Saeed, Sekolah dan Teori dalam Psikologi Personaliti, hlm. 143-146, Tehran, Roshd, 1998. Percison.
7. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, Terjemahan Tafsir al-Mizan, Vol. 2, hlm. 93, diterjemahkan oleh Mousavi Hamedani. Mohammad Baqer. Qom 1995. Penerbitan Persatuan Seminari Seminari Qom. Percison.
8. The Quran of poets
9. Heydari, Jamshid; Aliabadi, Khadija; Ebrahimi Ghavam, Sughri; Pourrostayi, Saeed (1400). Developing a design model for teaching thinking based on Vygotsky's socio-cultural theory. (60)17. pp. 41-82.
10. Hosseini Ebrahimabadi, Fatemeh Sadat and the Work of the Enlightened, Masoumeh, (2011), Legal Principles of Child Protection in Cyberspace in Iranian Law and International Documents. Percison.
11. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar (2012). General Introduction to Law, Tehran, Ganj Danesh Library. Percison.
12. Motlagh Gholamzadeh, Shahrzad (1401). A study of Piaget's theory of cognitive development in psychology. (1)8. pp. 146-138.
13. Mousavi, Seyed Mehdi, and Rezaei, Ali. (1401). Implementation Challenges of the Data Protection Law in Iran with an Emphasis on Children's Data. Justice Legal Journal, 106, 75-102. Percison.
14. Nouri, Younes. (1400). Legal Analysis of Child Protection in Cyberspace in the Light of the New Law on the Protection of Children and Adolescents. Private Law Studies Quarterly, 53(1), 123-145. Percison.
15. Ranjabr, Rahman and Afras, Gholamhossein. (2018). Children's rights in the light of Islamic ethics and human rights, National Conference on New World Achievements in Education, Psychology, Law and Socio-Cultural Studies, Khoy. Percison.
16. Bowlby, J. (1969). Attachment and Loss : Vol. 1. Attachment. Basic Books.
17. Bronfenbrenner, U. (1979). The Ecology of Human Development : Experiments by Nature and Design. Harvard University Press.
18. CRC, U. (2021). General Comment No. 25 on children's rights in relation to the digital environment. CRC/C/GC/25.
19. Erikson, E. H. (1963). Childhood and Society (2nd ed). Norton.
20. United Nations. (1989). Convention on the Rights of the Child. Treaty Series, 1577, 3. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-rights-child>
21. United Nations. (2000). Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the sale of children, child prostitution and child pornography. A/RES/54/263. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/optional-protocol-convention-rights-child-sale-children-child>.

Comparative analysis of the child's right to mental health in cyberspace using verses from the Quran

Atie Moghadamfar¹

Abstract

Background and Objective: Cyberspace, by creating opportunities and threats for children, has challenged their right to mental health as a fundamental right in the digital environment. This study aims to analyze this right within three frameworks: Islamic jurisprudence, Iran's domestic laws, and international documents, and to propose legal solutions.

Methods: This descriptive-analytical research was conducted by collecting data through library studies and content analysis of primary and secondary sources. Data analysis was based on extracting, categorizing, and interpreting themes, followed by a comparative analysis.

Findings: In Iranian law, despite regulations such as the Computer Crimes Law and the Law on the Protection of Children and Adolescents, there are evident legislative and executive gaps in explicitly protecting children's mental health in cyberspace. In contrast, international documents, particularly the Convention on the Rights of the Child and its General Comment No. 25, offer a progressive model by providing a comprehensive, rights-based framework grounded in the triple obligations of states (respect, protection, and fulfillment).

Conclusion: Effectively guaranteeing this right in Iran requires a shift from a merely criminal and passive approach to a preventive, rights-based, and holistic one. Essential measures include drafting a comprehensive "Law on the Protection of Children in Cyberspace," strengthening regulatory and executive mechanisms, providing digital literacy education for children and parents, and obligating the private sector to implement age-appropriate design for children, all of which can be achieved by drawing upon the capacities of Islamic jurisprudence and international standards.

Background and Objective: Cyberspace, by creating opportunities and threats for children, has challenged their right to mental health as a fundamental right in the digital environment. This study aims to analyze this right within three frameworks: Islamic jurisprudence, Iran's domestic laws, and international documents, and to propose legal solutions

Methods: This descriptive-analytical research was conducted by collecting data through library studies and content analysis of primary and secondary sources. Data analysis was based on extracting, categorizing, and interpreting themes, followed by a comparative analysis

Methods: This descriptive-analytical research was conducted by collecting data through library studies and content analysis of primary and secondary sources. Data analysis was based on extracting, categorizing, and interpreting themes, followed by a comparative analysis

Findings: In Iranian law, despite regulations such as the Computer Crimes Law and the Law on the Protection of Children and Adolescents, there are evident legislative and executive gaps in explicitly protecting children's mental health in cyberspace. In contrast, international documents, particularly the Convention on the Rights of the Child and its General Comment No. 25,

offer a progressive model by providing a comprehensive, rights-based framework grounded in the triple obligations of states (respect, protection, and fulfillment)

Conclusion: Effectively guaranteeing this right in Iran requires a shift from a merely criminal and passive approach to a preventive, rights-based, and holistic one. Essential measures include drafting a comprehensive “Law on the Protection of Children in Cyberspace,” strengthening regulatory and executive mechanisms, providing digital literacy education for children and parents, and obligating the private sector to implement age-appropriate design for children, all of which can be achieved by drawing upon the capacities of Islamic jurisprudence and international standards

Keywords: Child’s Rights, Cyberspace, International Instruments, Iranian Law, Mental Health.

1. Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of refah, Tehran, Iran. a.moghadam10@gmail.com